

مهدي قاسمي / سيد حجت عارفي
اعضای حلقه‌ی علمی افق
گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد

از نسل آفتاب

تنکابن، پناه علویان جغرافیا

تنکابن، شهرستانی از توابع استان سرسبز و حاصلخیز مازندران است و در طول تاریخ به لحاظ جغرافیایی، تغییرات گسترده‌ای به خود دیده است. امروزه تنکابن به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که حد غربی آن، رودخانه‌ی سورخانی (سامان رودخانه) و حد شرقی آن، رودخانه آبرود (نزدیکی چالوس) است. دریای خزر، حد شمالی آن و قزوین و طالقان، حد جنوبی آن است.

مذهب

تنکابن در سه دوره‌ی بزرگ، تحولات گسترده فکری و عقیدتی متفاوتی را تجربه کرده است:

دوره‌ی اول آن، مربوط به دوره‌ی قبل از ظهور اسلام است که مردم آن دیار زرتشتی بودند.

دوره‌ی دوم، مربوط به بعد از ظهور اسلام است که همگی با پذیرش اسلام به فرقه‌ی زیدیه گرویدند.

دوروی سوم، با آغاز حکومت شیعی صفویه در ایران، تنکابنی‌ها نیز مذهب شیعی حقه‌ی اثنی عشری را با جان و دل پذیرفتند.

در پی شهادت زید (پیشوای فرقه‌ی زیدیه) و فرزندش یحیی، جمعی از سادات به طبرستان، گیلان و دیلم روی آوردند و این هجرت، زمینه‌ای مناسب را برای قیام علویان فراهم آورد.

علویان نیز که پیوسته در جستجوی جان پناهی برای مصون ماندن از آسیب دشمنان بودند، این سرزمین را پناهگاهی مطمئن یافتند و با مهرورزی و مهمان‌نوازی‌های مردم این منطقه مواجه شدند؛ چرا که مردم آن دیار از دیرباز از دوستان و محبان اهل بیت علیهم السلام بودند.

مردم دیلم در تمام مدت حکومت امویان و تا اوائل حکومت آل عباس نگذاشتند سپاهشان وارد این سرزمین گشته، و از حدود و غور قزوین، طارم و چالوس جلوتر آیند.^۱

اینک در تنکابن، ۲۹ بقعه‌ی متبرکه از آرامگاه‌های امام‌زادگان، چون آفتابی درخشان بر جان آن سرزمین، نورافشانی می‌کند.

پدري از ديار پاكان

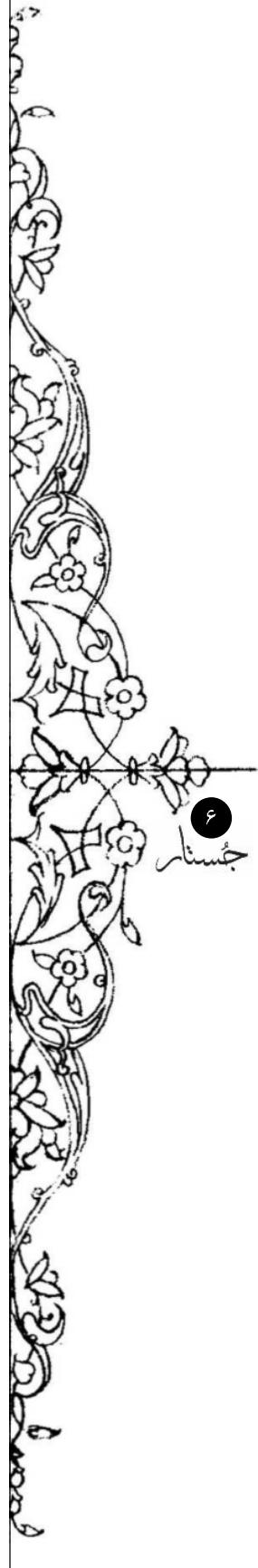
پدر مرحوم آية الله العظمی میرزا علی فلسفی، حضرت آية الله شیخ محمدرضا تنکابنی (فرزند شیخ محمد واعظ تنکابنی) در سال ۱۲۸۲ق در دریا پشته‌ی رامسر، چشم به جهان گشود. در نوجوانی همراه برادرش، آية الله شیخ محمد حسین تنکابنی^۲، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قزوین شد و در مدرسه «التفاتیه» آن شهر به تحصیل پرداخت. سپس به همراه برادر جهت ادامه تحصیلات و دروس عالی به نجف اشرف هجرت کرد. برادر ایشان در آنجا به عارضه بیماری در ستون فقرات دچار شد و به تهران بازگشت.

آية الله شیخ محمدرضا تنکابنی در نجف اشرف از محضر فقهی حضرت آية الله حاج میرزا حبیب الله رشتی^۳ (م ۱۳۳۷ق) به مدت شش سال بهره برد.

۱. تاریخ و جغرافیای رامسر، سید محمد تقی سجادی، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۲. وی از وکلای تام‌الاختیار مرحوم آية الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود که در تهران امام جماعت مسجد هدایت را به عهده داشت. بدین سبب عامه‌ی مردم با ایشان بسیار مراوده داشتند.

پس از فوت مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و زمانی که مرجعیت به آية الله بروجردی رسید، وی به سبب وخامت اوضاع جسمانی از قبول وکالت امتناع کرد. او دارای نه دختر و دو پسر بود. پسر بزرگش حجة الاسلام حاج شیخ محمد تنکابنی پس از وفات پدر، در همان مسجد به اقامه جماعت می‌پرداخت. از فرزندان دیگر ایشان ثقة الاسلام آقا شیخ محمد علی تنکابنی است که ایشان هم از دنیا رفته‌اند. قابل ذکر است که مرحوم محمد تقی فلسفی (خطیب مشهور) داماد عمویش بوده است. ایشان در سال ۱۳۶۷ق در پی عارضه‌ی بیماری دار فانی را وداع گفت.

۳. وی متولد ۱۲۳۴ق در آمل چشم به جهان گشود و پس از تحصیلات ابتدایی و کسب مقام اجتهاد، راهی نجف شد و در زمره شاگردان شیخ حسن نجفی در آمد. پس از فوت ایشان به درس شیخ انصاری رفت و از شاگردان ممتاز ایشان شد. آنچه که شخصیت او را برجسته ساخته و وی را زبان زد خاص و عام کرده است، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیت وارسته‌اش است.



وی خارج فقه را نزد آیه الله سید محمد کاظم یزدی^۱ (م ۱۳۳۷ق) و دو دوره درس خارج اصول را نزد آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ق)^۲ شاگردی نمود و از ایشان اجازه‌ی اجتهاد گرفت.

آیه الله حاج میرزا محمد حسین^۳ نوهی حاج میرزا خلیل تهرانی حاج آقا رضا همدانی^۴، آیه الله آقا شیخ عبدالله مازندرانی^۱ نیز از اساتید مبرز ایشان در نجف بودند.

تعدادی از آثار علمی وی عبارتند از:

۱. رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشیء النهی عنه و عدمه؛

۲. التعادل و التراجیح؛

۳. بدایع الافکار؛

۴. کتاب الطهارة؛

۵. الحاشیة علی المکاسب.

(گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ج ۱ ص ۳۷۹)

۱. سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۲۴۸ ق در یزد متولد شد. وی به مباحث فقهی تسلط کامل داشت؛ از این رو مسائل مشکل و پیچیده‌ی فقهی را با بیانی روان و ساده و با استدلالی قوی به طلاب عرضه می‌کرد.

سید یزدی یکی از موافقان جریان مشروطیت بود اما خواستار برپایی حکومت اسلامی و نظام مشروطه موافق با شرع اسلام شد.

برخی از آثارش عبارتند از:

۱. العروة الوثقی؛

۲. حاشیه بر مکاسب؛

۳. رساله فی التعادل و التراجیح. (گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ج ۱ ص ۴۴۶)

۲. آخوند خراسانی در سال ۱۲۵۵ق در مشهد دیده به جهان گشود. وی در دوازده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شد و تا ۲۲ سالگی در مشهد بود و سپس عازم عراق شد. در بین راه مدتی در سبزوار و تهران به تحصیل علم پرداخت و نهایتاً عازم نجف گردید. وی از شاگردان برجسته شیخ انصاری و میرزای شیرازی بوده است، و نوشته‌اند در کرسی تدریس ایشان تا سه هزار نفر حضور داشته‌اند. آخوند همچنین سردمدار نهضت مشروطه می‌باشد. مرحوم آخوند تالیفات زیادی در اصول، فقه و فلسفه داشته است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. کفایة الاصول؛

۲. حاشیه‌ی مختصر بر رسائل؛

۳. حاشیه‌ی مفصل بر رسائل؛

۴. حاشیه‌ی بر اسفار؛

۵. حاشیه بر مکاسب.

(گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ج ۱ ص ۴۳۲)

۳. حاج میرزا محمد حسین، نوه حاج میرزا خلیل تهرانی (متوفای ۱۳۲۶ ق) پس از سالیان درازی که از وفات شیخ اعظم انصاری می‌گذشت، مرجعیت عامه در عصر ایشان به وی منتهی شد. عمده تحصیلات ایشان نزد برادرش علامه حاج ملا علی بود، و از خود مدارس متعددی به یادگار گذاشت. (علمای معاصر، حاج میرزا علی واعظ خیابانی، ص ۱۵۹)

۴. او در سال ۱۲۵۰ ق در شهر همدان به دنیا آمد. مشهورترین اساتیدش عبارتند از: علامه شیخ مرتضی انصاری، میرزا محمد حسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی بزرگ، میرزا محمد تقی شیرازی (معروف به میرزای کوچک).

وی پس از وفات میرزای شیرازی، مسئولیت زعامت و مرجعیت شیعه را به عهده گرفت؛ اما پس از مدت کوتاهی از این مسئولیت کناره گرفت.

برخی از شاگردانش عبارتند از:

سید محسن امین عاملی، شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ علی همدانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید حسن صدر، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی.

آیه الله شیخ محمد رضا تنکابنی در سال ۱۳۱۹ ق از نجف اشرف به تهران عزیمت کرد و به دلیل آنکه شاگرد «اصول» مرحوم آخوند بود - و تبعاً حرف‌های تازه‌ای در این باب داشت - و هنوز آیه الله حائری به قم تشریف نیاورده بود، حوزه‌ی درسی اش اهمیت و جلوه خاصی پیدا کرد و در بین علما نیز مورد تکریم و احترام واقع شد.

فعالیت‌های علمی و اجتماعی

آیه الله شیخ محمدرضا تنکابنی، سال‌های زیادی در مدرسه «فیلسوف» - وابسته به طبیب دربار قاجار تهران - به تدریس علوم دینی اشتغال داشت. وی در آن سال‌ها شاگردان بسیاری را تحویل جامعه علمی داد که از آن میان تنها به چهار شاگرد مهم و مشهورش اشاره می‌شود.

۱- آیه الله آخوند ملا علی همدانی؛

۲- آیه الله آقا میرزا هاشم آملی؛

۳- آقا سید ابوالقاسم اریب (از علمای بزرگ وقت)؛

۴- آقا شیخ محمد علی لنکرانی.

عموم مردم و حتی قضات دادگستری در باب مسائل فقهی به وی مراجعه می‌کردند، و منزلش، محل مراجعه مراجع و علمای بزرگ وقت بود.

برخی از تألیفاتش عبارتند از:

۱- ذخیره‌ی الاحکام ۲- الهدایه‌ی ۳- تقریرات فقه ۴- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

(گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ج ۳، ص ۲۰۶)

۱. وی از شاگردان شیخ زین العابدین مازندرانی حائری (متوفای ۱۳۰۹ ق) (از شاگردان صاحب جواهر) و از مدرسین درس خارج نجف بوده است.

(گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ج ۴، ص ۲۸۰)

۲. آخوند ملا علی معصومی همدانی در سال ۱۳۱۲ ق متولد شد. وی پس از تحصیلات

مقدماتی و سطح و علوم نقلی در همدان، عازم تهران شد و علوم مختلفی را آموخت.

او از استادان بزرگی؛ مانند میرزا مهدی اشتهیانی (متوفای ۱۳۷۲ ق) و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی (متوفای ۱۳۸۵ ق) بهره برد، و از مدرسان ممتاز حوزه‌ی علمیه قم بوده است.

برخی از تألیفات وی عبارتند از:

۱- اجتهاد و تقلید، ۲- شرح حال ابویصیر، صحابی امام صادق علیه‌السلام، ۳- پژوهشی در علم رجال.

حاج سیدرضا بهاء الدینی، حاج میرزا حسین نوری، شهید دکتر محمد مفتاح همدانی، حاج

سید مصطفی هاشمی، از شاگردان ایشان اند. (گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی

علمیه‌ی قم، ج ۴، ص ۵۰۵)

۳. وی در سال ۱۳۲۳ ق در یکی از روستاهای لاهیجان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را

در آمل نزد شیخ احمد آملی و آقا سید تاج گذراند. سپس به تهران رفت و کتابهای فلسفه‌ی

شوارق، منظومه، اشارات، امور عامه‌ی الهیات و اسفار را از استاد میرزا طاهر تنکابنی و میرزا

یدالله نظر پاک آموخت. سطوح عالی حوزه را نزد حجج اسلام میرزا محمدرضا فقیه

لاریجانی و آقا سید محمد تنکابنی فراگرفت. سپس به قم رفت و از درس خارج فقه و

اصول آیه الله حائری و آیه الله حجت استفاده نمود.

پس از آن به نجف مهاجرت کرد و از محضر آقا ضیاء الدین عراقی و میرزا حسین نائینی و

اصفهانی بهره برد، تا اینکه مجتهد شد.

از آثار ایشان است:

کتابی در اصول، کتابی در فقه از صلاة، زکات، قضا، اجاره، غصب، رهن و بیع (در پنج جلد)

از ایشان مدرسه‌ای در حوزه‌ی علمیه‌ی قم نیز به یادگار مانده است. (کتاب گنجینه‌ی

دانشمندان، شیخ محمد شریف رازی، ص ۵۴)

خانواده

آیه الله شیخ محمد رضا تنکابنی در سال ۱۳۱۹ق در تهران با دختر مرحوم آقا ابوالحسن تاجر اصفهانی ازدواج کرد که ثمره‌ی آن پنج پسر و یک دختر بود. سه فرزند بزرگوارش در سلک روحانیت درآمدند: حجة الاسلام و المسلمین میرزا ابوالقاسم، حجة الاسلام میرزا محمدتقی و آیه الله میرزا علی.

ازدواج دوم وی نیز با صبیحة مرحوم آیه الله سید عبد الکریم لاهیجی بود. دامادهایش نیز آقایان حجج اسلام سید مرتضی مرتضوی و حاج آقا مصطفی مسجد جامعی و شیخ محمد تنکابنی بوده‌اند.

رهانتر از رهایی

در زندگی علمی آیه الله سید عبد الکریم لاهیجی نکته‌ای بس مهم و خواندنی اتفاق افتاد که نگارنده، سلوک خاص و اعجاب برانگیز وی را - مانند: پرهیز از قبول مرجعیت، و عدم ارائه‌ی رساله و ... - در حیات علمی آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی مؤثر و شایان ذکر می‌داند.

آیه الله سید عبد الکریم لاهیجی از شاگردان برجسته شیخ مرتضی انصاری^۱ و از ایشان دارای اجازه اجتهاد بود. هرگز از وجوهات شرعیه استفاده نمی‌کرد و تمام فکر و اندیشه‌اش خدمت به مردم و عمل به وظیفه بود.

وی به دلایل نامعلومی و بدون خداحافظی از استادش (شیخ انصاری) از نجف عازم تهران شده و یکسره در مغازه‌ی تاجری مؤمن به نام حاج ملاحاجی (پدر آیه الله حاج شیخ عباس حائری تهرانی) به شاگردی مشغول می‌شود!

شیخ انصاری بعد از اطلاع از ماجرا و در حالی که به شدت ناراحت شده بود، نامه‌ای خطاب به حضرت آیه الله حاج ملا علی کنی^۲ - که مقیم تهران بود -

۱. شیخ مرتضی انصاری روز عید غدیر سال ۱۲۱۴ ق در شهر دزفول در خانواده‌ی علم و ادب، متولد شد. وی از نوادگان جابر بن عبدالله انصاری (۱۶ - ۷۸ یا ۹۸ ق) بود. ادبیات عرب و مقدمات را نزد پدرش و برخی از دانشوران دزفول آموخت؛ سپس فقه و اصول و دوره‌ی سطح را خدمت شیخ حسین انصاری (عموزاده‌اش) گذراند. آنگاه به کربلا و نجف رفت و از محضر عالمانی؛ همچون سید محمد مجاهد، شریف العلماء، شیخ موسی کاشف الغطاء، شیخ علی کاشف الغطاء و حاج ملا احمد نراقی استفاده کرد.

برخی از شاگردان شیخ عبارتند از:

۱- میرزا محمد حسن شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۵۵ ق) ۲- آخوند خراسانی (۱۳۲۹ ق) ۳- سید جمال الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۴ ق) ۴- میرزا حبیب الله رشتی (۱۲۳۴ - ۱۳۱۲ ق).

برخی از آثارش عبارت است از:

۱- کتاب فرآیند الاصول (رسائل) ۲- کتاب مکاسب ۳- کتاب الصلاة ۴- کتاب الطهارة. (گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۳۶، چاپ نگارش، قم.)

۲. وی در سال ۱۲۲۰ ق متولد شد. پس از مدتی تحصیل در حوزه تهران و اصفهان، عازم نجف اشرف و کربلا شد.

برخی از اساتیدش عبارتند از:

صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ ق)؛ شیخ حسن کاشف الغطاء (متوفای ۱۲۶۲ ق) و شریف العلماء مازندرانی (متوفای ۱۲۴۵ ق).

برخی از تألیفات وی عبارت است از:

نوشته و به ایشان سفارش می‌کند که از وجود این شاگرد استفاده شود. اما ملا علی کنی هرگز ایشان را پیدا نمی‌کند، تا اینکه روزی حاج ملا حاجی، نیاز به استخاره از حاج ملا علی کنی پیدا می‌کند. شاگرد ناشناس به سوی خانه (و محل تدریس) ملا علی کنی به راه می‌افتد و در جلسه‌ی درس، ناخود آگاه به موضوع درسی مطرح شده حساس شده و اشکالی اساسی به آن وارد می‌کند!

نگاه حاضرین به روی سید بر می‌گردد، و برخی با مشاهده مردی در لباس غیر اهل علم، با تندی و ایما به وی اشاره می‌کنند که ساکت باش! و اینجا جلسه‌ی درس و گفت‌گویی علمی است. آیه‌ی الله کنی، با تیزهوشی فراوان متوجه اشکال می‌شود و به آن پاسخ می‌دهد. بعد از پایان درس و انجام استخاره ایشان نام وی را می‌پرسد. سید هم - بی‌خبر از نامه شیخ انصاری پاسخ می‌دهد: سید عبد الکریم لاهیجی. برقی در چشمان ملاعلی کنی می‌درخشد که گم شده‌اش را پیدا کرده است. برای هیچ کس باور کردنی نبود که مجتهدی مسلم، حدود شش ماه تمام، به طور ناشناس شاگرد مغازه باشد. آیه‌ی الله کنی در اولین فرصت، سید را به دامادی خویش می‌گیرد و سپس سرپرستی مدرسه علمیه مروی و امامت مسجد مدرسه را به وی می‌سپرد.

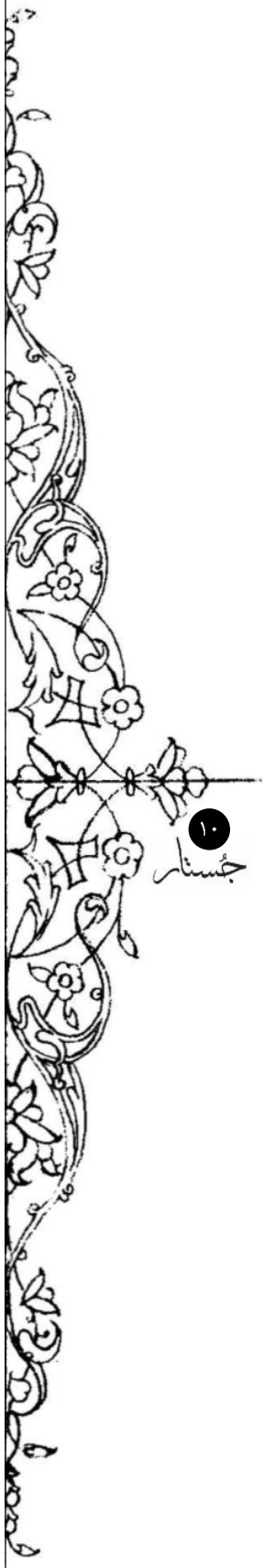
آیه‌ی الله لاهیجی بیش از دو دهه در مدرسه مروی (مرکز حوزه علمیه تهران) به تدریس طلاب مشغول بود و شاگردان فراوانی؛ همچون آیات عظام شیخ محمدرضا تنکابنی (داماد آیه‌ی الله لاهیجی) حاج سید محمد تقی تهرانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه) و ... را تربیت نمود.^۱

فعالیت سیاسی

آیه‌ی الله تنکابنی در جریانات مشروطه نقش مستقیمی نداشت و تنها ربطش با حوزه سیاست، ارتباط خانوادگی‌اش با مرحوم مدرس و آیه‌ی الله کاشانی بود. البته در سالی که رضاخان به نام «جمهوری» بلوایی سیاسی به پا کرد، مرحوم مدرس، وی و برادرش را در جریان این سیاست قرار داد. بدین ترتیب عده‌ی زیادی از علمای تهران به دستور مرحوم مدرس در جلوی درب مجلس متحصن شدند و مردم نیز در میدان بهارستان، فریاد «ما جمهوری نمی‌خواهیم»، سر دادند.

در جریان تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (۱۳۴۱ش) نیز چون دولت وقت (علم) می‌خواست قید اسلام و قرآن را از قانون انجمن‌ها حذف

ارشاد الأمة، ایضاح المشتبهات، تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل و رساله‌ای در استصحاب. (گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه‌ی علمیه قم، ج ۱، ص ۳۶۶)
۱. زندگی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۳۹۰، چاپ کنگره شیخ اعظم انصاری، (به نقل از کتاب «آقا شیخ مرتضای زاهد» نوشته محمد حسن سیف الهی، صفحه ۲۰۶)



کند، وی همپای حاج سید احمد خوانساری^۱ و شیخ محمد تقی آملی وارد میدان شد و پای اعلامیه‌ها را امضا کرد.

وی جزء چهار روحانی بزرگی بود که به سبب اجتهاد و اشتیاق در علوم دینی و قداست بین مردم، در تهران مجاز به استفاده آشکار از لباس رسمی روحانیت بود.

غروب

سرانجام وی روز عید غدیر ۱۳۸۵ (برابر با ۲۱ فروردین ۱۳۴۵ ش) در تهران درگذشت. وی وصیت کرده بود که در نجف اشرف به خاک سپرده شود. در تهران، مرحوم حاج سید احمد خوانساری (م ۱۴۰۵ق) بر پیکرش نماز گزارد. پیکر مطهر آن پاک زیست با فضیلت به همت فرزندش آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی به کربلا ارسال و در آنجا پس از طواف، به نجف برده شد. در نجف و با حضور مراجع بزرگ تشییع شد و سرانجام نزد بارگاه هود و صالح (علیهما السلام) در وادی السلام آرام گرفت.

در نجف، آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی، مجلس فاتحه‌ی بزرگی در تعظیم مقام علمی ایشان برگزار کرد که در آن، تمامی مراجع و بزرگان حوزه و طلاب حضور داشتند.

مادری از سلاله‌ی نور

والدهی ماجده آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی، دختر مرحوم آقا ابوالحسن تاجر اصفهانی بود. وی به امور دینی اهتمام زیادی داشت، و به تربیت و رشد دینی خانواده، اهمیت فراوان می‌داد.

آن مرحوم در ایام کشف حجاب، از جمله بانوانی بود که هرگز از منزل خارج نشد و با نگرانی زیاد، مشکلات دینی زنان مسلمان را که با ایشان مراد و ارتباط داشتند، پیگیری می‌کرد. رفتار آن بانو در روحیه‌ی شوهر و فرزندانش به ویژه در امر تحصیل و ایجاد فضای سالم تربیتی در نهاد خانواده، بسیار مؤثر و سازنده بود.

سرانجام وی در روز ۱۲ شعبان سال ۱۳۶۰ق (۱۳۲۰ش) بر اثر عارضه‌ی قلبی به دیدار حق شتافت.

برادرانی از نسل آفتاب

دو تن از برادران آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی در کسوت روحانیت بوده‌اند: حجج اسلام میرزا ابوالقاسم فلسفی و محمد تقی فلسفی.

۱. وی از علمای بنام خوانسار و صاحب جامع المدارک (در شرح مختصر النافع) بود. در سال ۱۳۰۹ق در خوانسار متولد شد و در نجف خدمت علامه طباطبائی یزدی و آیه الله خراسانی و آقا ضیاء الدین عراقی درس خواند، و در سال ۱۳۳۵ به ایران بازگشت. و سر انجام در سال ۱۴۰۴ق به سرای باقی شتافت. (آینه دانشوران: سید علیرضا ریحان یزدی، ج: حافظ)

۱- حجة الاسلام میرزا ابوالقاسم فلسفی، در ۲۵ ربیع الاول سال ۱۳۲۴ق، (۱۲۸۴ش) در تهران دیده به جهان گشود. وی پس از گذراندن دروس ابتدائی و به شوق گذراندن تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمی تهران شد. میرزا ابوالقاسم ضمن تحصیل، به امورات و ارجاعات مهم پدری نیز پاسخگو و یاری‌رسان بود. این امور؛ شامل تنظیم قباله‌ها، صلح‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، اسناد خرید و فروش و ... بود که به پدر احواله می‌شد. بدین ترتیب سال‌های بعد، وی در دفتر خانگی ثبت ازدواج مشغول شد.

وی در اواخر عمر پدر، به امامت مسجد «فیلسوف» و تدریس فقه و اصول (به ویژه تدریس شرح لمعه) مشغول بود. سرانجام در تاریخ ۱۳۷۱ ق (در سن ۷۸ سالگی) فوت نمود و در جوار ابن بابویه در شهر ری آرام گرفت.^۱

۲- حجة الاسلام و المسلمین محمد تقی فلسفی، در دهم ربیع الاول ۱۳۲۶ ق (۱۳۸۶ ش) در تهران به دنیا آمد. دوران کودکی را همراه برادران به تحصیلات ابتدایی و حوزوی پرداخت.

وی به سبب شوق و علاقه‌ی خاص مادر نسبت به خاندان اهل بیت، ذکر مصائب، وعظ و منبر، بدین امر ترغیب شد.

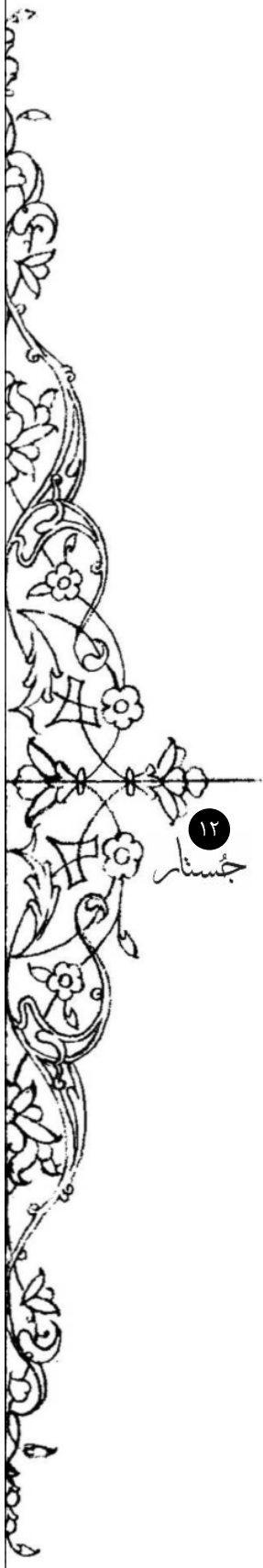
اولین منبرش را در ۱۵ سالگی و در مسجد «فیلسوف» تجربه کرد. پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به قم رفت و بعد از چند ماه به تهران بازگشت و به علاقه‌ی خویش که همانا خطابه با اصول و سبک خاص بود، پرداخت.

منبرش پایگاهی بود برای ترویج عقائد راستین اسلام، و البته آنچه زینده‌ی کشوری شیعی است. لذا شهید گفتارش را در قالبی می‌ریخت که مخاطب، نوشنده‌ی نکات اخلاقی، تربیتی و اجتماعی بر آمده از آیات و روایات بود. برداشت‌های کاربردی زیبایی وی از مباحث روان‌شناسی و ذکر داستان‌های تاریخی از اسلام، با بیانی بسیار شیوا و شیرین از مختصات ویژه وی بود. این خطابه‌ها همواره بیان ناهنجاری اخلاقی جامعه آن روز به شمار می‌آمد که با ذکر آموزه‌های اسلامی به عنوان راه اصلاح و درمان ارائه می‌شد.

مبارزه‌ی سیاسی - اعتقادی: وی در برابر حزب توده که بر فلسفه‌ی الحادی و ضد اسلامی مبتنی بود، قاطعانه ایستاد و با سخنرانی‌هایش افشاگری می‌کرد. بدین خاطر بارها توسط این حزب، نامه‌های تهدیدآمیز دریافت کرده بود.

نمایندگی آیه الله العظمی بروجردی در رساندن پیام‌های مرجعیت به مقامات دولتی و شاه نیز از خدمات سیاسی ایشان محسوب می‌شود.

سخنرانی‌های خطیب مشهور، توأم با جریان سازی و افشاگری بود. یکی از این سخنرانی‌ها نقد مواضع جریان بهائیت بود که در مسجد شاه - که به طور مستقیم از رادیو پخش می‌شد - صورت گرفت و تأثیر مثبت و به سزایی



در میان مردم داشت. او در آنجا تصریح کرد که هدفش آشکار ساختن گمراهی بهائی‌ها در اعتقاداتشان است، و هیچ‌کس نباید در مبارزه با آنها خودسرانه اقدامی کند. اینگونه سخنرانی‌ها عاقبت منجر به منع دائم وی از منبر شد.

از این زمان به بعد (سال ۱۳۵۰ ش) تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، به نگارش کتابهای مذهبی پرداخت. که مهمترین آنها عبارت است از: جوان از نظر عقل و احساس (در دو جلد)؛ کودک از نظر وراثت و تربیت (در دو جلد)؛ بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات (در دو جلد)؛ آیت الکرسی، پیام توحید (در یک جلد)؛ اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی (در دو جلد)؛ معاد از نظر روح و جسم (در سه جلد) و شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، صحیفه سجادیه (در سه جلد).

او در ۹۳ سالگی (سال ۱۳۷۷ ش، ۱۳۱۹ ق) پس از صرف عمری پُر برکت در ارشاد و راهنمایی و تبلیغ رسالت دینی، دیده از جهان فروبست و در جوار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی آرامید.^۱